

سهام

حق تقدم

مالیات

مجید میراسکندری

اشاره

اوراق سهام و اوراق حق تقدم در خرید سهام شرکتها، اوراق بهاداری هستند که نشان دهنده میزان مالکیت و مشارکت دارند. آن از موجودیت شرکت یا کارخانه صادر کننده اوراق اند. نقل و انتقال این اوراق هم می تواند مثل نقل و انتقال هر دارایی دیگر (ملک، آپارتمان، اتومبیل و غیره) مشمول مالیات نقل و انتقال باشد. طبق ماده ۱۴۳ قانون مالیاتهای مصوب ۱۳۶۶ که از اول سال ۱۳۶۸ اجرا شد مالیات نقل و انتقال سهام در بورس اوراق بهادار تهران معادل نیم درصد مبلغ معامله و به صورت قطعی بوده است. در قانون یاد شده از نقل و انتقال سهام خارج از بورس و حق تقدم سهام (چه برای شرکتها پذیرفته شده در بورس و چه غیر آن) بحثی نشده است در تاریخ ۱۳۶۸/۱/۲۹ بخشنامه ای توسط معاونت درآمدهای مالیاتی وقت صادر شد که برای نقل و انتقال سهام خارج از بورس ده درصد مالیات به صورت علی الحساب در نظر گرفته شد در این بخشنامه هم بحثی از حق تقدم خرید سهام نشده بود. در شهریور ماه جاری بخشنامه معاونت محترم درآمدهای مالیاتی در مورد "مالیات علی الحساب از فروشندگان سهام و سهم الشرکه شرکتها و حق تقدم خرید سهام" ابلاغ شد که جزئیات آن در جدول شماره ۳ درج شده است. مبنای صدور بخشنامه جدید نیز مثل بخشنامه پیش گفته، مواد ۱۶۳ و تبصره ماده ۲۲۱ قانون عنوان شده که اولی مربوط به امکان محاسبه مالیات علی الحساب طی سال است و دومی نیز مربوط به محل استقرار حوزه مالیاتی شرکت می باشد و ارتباط آنها با مالیات نقل و انتقال سهام و حق تقدم خرید سهام مشخص نیست. در مقاله حاضر موضوع مالیات مربوط به سهام و حق تقدم در مورد شرکتها پذیرفته شده در بورس و خارج از آن مورد بررسی قرار می گیرد و در پایان نیز پیشنهادهایی برای رفع اشکال بخشنامه اخیر ارائه می شود.

جدول شماره ۱

قیمت روز سهم بعد از افزایش سرمایه = $\frac{\text{معادل قیمت اسمی حق تقدمهای متعلقه به هر سهم} + \text{قیمت روز سهم}}{\text{تعداد حق تقدمهای متعلق به هر سهم} + ۱}$

$$2000 = \text{قیمت اسمی} - \text{قیمت سهم} = \text{قیمت حق تقدم}$$

$$3000 = \frac{7000 + 2000}{1 + 2}$$

سابقا بنا به دلایل مختلف از جمله قیمت پائین اصل سهام یا فراوان نبودن آن ، شوق و ذوق زیادی برای خرید حق تقدم وجود داشت و بعضا بسیار خارج از عرف ، مورد معامله قرار می گرفت ولی خوشبختانه بازار اکنون آگاهانه تر عمل می کند .

تأثیر بخشنامه اخیر روی

شرکتهای پذیرفته شده در بورس

از لحاظ مالیات نقل و انتقال طبق ماده ۱۴۳ قانون مالیاتهای مستقیم سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس مشمول نیم درصد مالیات قطعی بوده که توسط کارگزار بر مبنای مبلغ واقعی معامله کسر و ایصال می شده و چون در قانون بوده ، بخشنامه نمی توانست اثری روی سهام شرکتهای موصوف داشته باشد. حق تقدم در خرید سهام هم قلابه این دلیل که جزئی از پیکره اصلی سهام است

نرخ روز سهام ، فراوانی سهام ، میزان افزایش سرمایه و مهلت واریز وجه آن وزمان بهره برداری شرکت از وجوه حاصله بستگی خواهد داشت .

چنانچه قیمت سهام ۱۰۰۰ ریالی شرکتی مثلا ۷۰۰۰ ریال باشد و به فراوانی هم یافت شود و به هر سهم معادل دو سهم حق تقدم خرید داده شود و مهلت واریز وجه وزمان بهره برداری شرکت از وجوه حاصله نیز نسبتا کوتاه باشد ، محاسبه قیمت حق تقدم به شرح جدول شماره ۱ خواهد بود.

در این حالت سرمایه گذار قبل از افزایش سرمایه صاحب یک سهم به ارزش ۷۰۰۰ ریال بوده و بعد از صدور حق تقدمهای متعلقه صاحب یک سهم به ارزش ۳۰۰۰ ریال و دو برگ حق تقدم به ارزش هر برگ ۲۰۰۰ ریال خواهد بود و مجموعا باز هم صاحب ۷۰۰۰ ریال سهام و حق تقدم است .

جدول شماره ۲

مالیات	بعد از افزایش سرمایه	قبل از افزایش سرمایه
نقل و انتقال فروش سهام	$15 = 5\% \times 3000$	$35 = 5\% \times 7000$
نقل و انتقال حق تقدم	$120 = 3\% \times 2 \times 2000$	-
جمع	۱۳۵	۳۵

مختصری در مورد حق تقدم

خرید سهام جدید

طبق مقررات قانون تجارت شرکتهای سهامی در زمان نیاز به وجوه جدید و افزایش سرمایه بایستی به سهامداران خود حق تقدم خرید سهام جدید بدهند مگر اینکه مجمع عمومی صاحبان سهام ، سلب حق تقدم از سهامداران فعلی را تصویب کند که در این صورت شرکت خواهد توانست وجوه لازم را از طریق واگذاری و فروش سهام جدید به دیگران تامین نماید و چنانچه مازادی وجود داشته باشد مازاد را به سهامداران قبلی پرداخت کند یا به حساب اندوخته های شرکت منظور نماید .

سهام شرکت نشان دهنده مالکیت قسمتی از دارایی های شرکت در وضع حاضر است و ممکن است قیمت آن هر روز کمتر یا بیشتر از روز قبل باشد . قیمت حق تقدم خرید سهام جدید با توجه به

و با صدور آن قیمت سهام متناسباً کاهش می‌یابد (همانطور که در مثال پیشگفته روشن شد) در مورد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس مشمول نیم درصد مالیات نقل و انتقال (قطعی و به مآخذ مبلغ واقعی معامله) بوده است ولی ظاهراً بخشنامه بدون توجه به این واقعیت و بر این باور که حق تقدم نوعی درآمد جایزه است اشکالات زیر ایجاد نموده است:

۱- مالیات آن از نیم درصد مبلغ معامله به سه درصد افزایش یافته است. چنانچه مثال فوق را قبول داشته باشیم (گویانکه مثال‌های زنده ای از کم‌تر بودن حقوق سهامدار شامل قیمت سهام و حق تقدم‌های اونسبت به قیمت سهام قبل از تصویب افزایش سرمایه هم اینک در بورس تهران وجود دارد) محاسبه مالیات قبل و بعد از افزایش سرمایه به شرح جدول شماره ۲ خواهد بود.

۲- مالیات حق تقدم از حالت قطعی به حالت عتی الحساب درآمد شده است.

همانطور که ملاحظه می‌فرمایید غیر از اینکه ۳۵ ریال به ۱۳۵ ریال افزایش یافته تازه ۱۲۰ ریال آنهم علی الحساب است که معلوم نیست رقم واقعی آن چقدر خواهد شد.

۳- قبلاً مالیات توسط کارگزار بورس کسروایصال می‌شد حال آنکه طبق بخشنامه، فروشنده حق تقدم خرید سهام بایستی به حوزه مالیاتی مراجعه کند و مالیات علی الحساب را بپردازد. مقامات محترم باید بدانند که صدها هزار نفر را نمی‌توان از اقصی نقاط مملکت (برای چند برگ حق تقدم) از شهری به شهر دیگر آورد تا

به حوزه مالیاتی بروند و بقیه قضایا؟
۴ - برای محاسبه مالیات قطعی تازه فروشنده باید اظهارنامه صورتهای مالی مربوط؟! را هم به حوزه بدهد (بنده خدا مثلاً از زاهدان بیاید و اظهارنامه صورتهای مالی مثلاً ایران خودرو را ببرد تحویل حوزه مالیاتی زیربط؟! بدهد)

۵ - حوزه مالیاتی نیز بایستی کار وزندگی خود را کنار بگذارد و برابر مقررات مالیات را براساس دفاتر قانونی و در موارد علی الراس با قرینه قرار دادن مبلغ فروش واقعی مطالبه نماید.

از تمام این ایرادات که بگذریم، فلسفه صدور حق تقدم سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در یکی دو سال گذشته این بوده است که شرکتها به علت نیاز به نقدینگی ریالی برای تامین مواد اولیه با قیمت‌های جدید ارز خارجی، نمی‌توانستند سود سهام خود را پرداخت نمایند و لذا سعی کردند با این ترفند وجوه نقد خود را نگهدارند و بجای آن سهام جدید به سهامداران بدهند تا سهامداران هم بتوانند با فروش آن به حداقل نیاز نقدی که داشتند دسترسی پیدا کنند، درحقیقت سهامدار با فروش قسمتی از مجموعه سرمایه و اندوخته خود، مبلغی بدست می‌آورد که اگر افزایش سرمایه داده نمی‌شد به عنوان سود سهام از شرکت دریافت می‌کرد.

در این میان سهامداران عمده که به علت نقص اساسی ماده ۱۰۵، قسمت اعظم سود سهام متعلقه به خود را برای پرداخت مالیات در شرکت سرمایه پذیر از دست می‌دهند، و ضمن نیاز مالی، امکان

پرداخت وجوه مربوط به حق تقدم‌های متعلقه به خود را ندارند، الزاماً حق تقدم‌های خود را به بورس عرضه می‌کنند از جمله سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و سازمان صنایع ملی ایران و حتی برخی از بانکها.

حال با این بخشنامه چه خواهد شد؟ پاسخ بسیار ساده است، مسلماً عرضه حق تقدم برای فروش به شدت کاهش خواهد یافت و این سازمانها احتمالاً با فروش اصل سهام، وجوه ارزی برای استفاده از حق تقدم خود را به دست می‌آورند و بعد که حق تقدم به سهام تبدیل شد، آن را می‌فروشند و بهر حال همان ۰/۵ درصد را مالیات خواهند داد.

سرمایه‌گذاران پولدار نیز همین کار را خواهند کرد، فقط می‌ماند سهامداران جزئی که به علت نیاز به وجوه نقد مجبورند حق تقدم خود را بفروشند و لذا اجباراً ۳٪ مالیات را خواهند پرداخت!

بنابراین بیشترین تاثیر این بخشنامه در مورد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، اثر منفی آن بر سهامداران جزء می‌باشد.

تأثیر بخشنامه بر شرکت‌های خارج

از بورس

از لحاظ مالیات نقل و انتقال، کار شرکت‌های خارج از بورس از قبل هم خیلی پیچیده تر از گروه اول بوده است چرا که در بورس اقلاً مبلغ معامله مشخص است ولی در مورد شرکت‌های خارج از بورس، در خیلی از موارد اینطور نیست قبلاً طبق بخشنامه

سال ۱۳۶۸ نقل و انتقال سهام اینگونه شرکتها مشمول مالیات علی الحساب ده درصد و تعیین مالیات قطعی نیز بعهدہ ممیز مالیاتی بود و نظر به اینکه مالیات نقل و انتقال معمولا بسیار بسیار بیشتر از حد معقول تعیین می شد نقل و انتقال سهام شرکتهاى خارج از بورس درموارد بسیار محدود ودر شرایط اضطراری صورت می گرفت . (آنهايي که مجبور می شدند حتی نوع شرکت را به با مسئولیت محدود تغییر می دادند و با افزایش و کاهش سرمایه که مشمول مالیات نبود ، کار خود را انجام می دادند) .

بهر حال با این بخشنامه که ده درصد را به سی درصد افزایش داده است ، کار از قبل هم پیچیده تر و طبیعا انجام معاملات مربوط کمتر از گذشته خواهد شد و مالیات مربوط هم به سمت صفر تمایل پیدا خواهد کرد . مردم هم (مثل اتومبیل) معاملات اینگونه سهام را از طریق وکالت انجام خواهند داد و آنچه می توانست بعنوان مالیات به خزانه دولت برود نصیب دفاتر اسناد رسمی و اداره ثبت خواهد شد .

تازه تمام شرح بالا در شرکتهایی صادق است که مازاد یا اندوخته یا سود انباشته ای داشته باشند وگرنه شرکتهایی که ضرر می دهند یا در شرف ورشکستگی هستند وضعیتشان از این هم بدتر است ، اینان که دنبال سرمایه گذار می گردند تا با انتقال قسمتی از سهام به آنان ، بتوانند کارخانه را روبراه کنند ، حالا باید مقادیر معتنابهی مالیات علی الحساب ۳۰٪ و قطعی نامشخص هم بدهند !

کم نیستند کسانی که به امید دریافت وامهای بانکی ، و با فروش وسایل زندگی خود کار وکسبی را شروع کرده اند و در میانه راه مانده اند و دنبال شریک می گردند . مقامات محترم فکر کرده اند که اینان چرا باید مالیات بدهند ؟

بهر حال مشکلات این گروه بسیار زیاد است ولی نکتهای هست که جای تأمل دارد و آن تخفیفی است که این بخشنامه برای مالیات نقل و انتقال سهام خارج از بورسی که بیش از دو سال از تاسیس آنها نگذشته است قائل شده و برای این گروه ۳۰٪ را به ۱۰٪ تبدیل کرده است ولی متاسفانه این تخفیف را برای حق تقدم همین شرکتها هم قائل نشده است این مطلب آنقدر از ذهن دور است که به اشتباه تایی می ماند !

نکته مهم و بسیار قابل توجه در این مورد مشکل شرکتهای سرمایه گذاری سهامی عام جدیدالتاسیس است که از هر لحاظ برای گسترش مالکیت و ایجاد امکانات کار و فعالیت لازم اند . این شرکتها دو نوعند نوع اول شرکتهای کاملا خصوصی هستند که در چند سال اول تاسیس باید به سرعت بزرگ شوند و مسلما با امکانات سرمایه گذاران اولیه موفق به اینکار نمی شوند و اکنون برای فروش حق تقدم خود به دیگران مشکل پیدا کرده اند نوع دوم شرکتهای مورد حمایت وزارت خانه ها و استانداریها هستند که سهامداران جزءشان هم اکنون در فروش و انتقال سهام خود مشکل دارند . نکته بارز در این میان سود این شرکتها است که عموما (گرچه برای دوره مالی

کمتر از یکسال) کمتر از ۱۰٪ مبلغ اسمی سهام بوده است (بیمه ، نیرو ، ساختمان ، معادن و فلزات) و سهامداران آن در صورت تصمیم به فروش سهام ، بیشتر از تمام آن و در صورت تصمیم فروش حق تقدم ، بیشتر از سه برابر آن را باید مالیات علی الحساب بدهند ! بنابراین غیر از تمام مشکلاتی که برای شرکتهای پذیرفته شده در بورس گفته شد و در مورد این شرکتها نیز صادق است ، برای شرکتهای خارج از بورس مسائل لاینحل دیگری هم بوجود می آید که حداقل ضررش آن است که مخفی کاری در نقل و انتقال مالکیت را رواج خواهد داد . زمانی مالیات سرقفلی به حدود ۷۵٪ می رسید و هیچکس هم نقل و انتقال آن را رسما گزارش نمی کرد ، وقتی درقانون جدید مالیات ان را به ۴ و ۸ و ۱۲ درصد قطعی تبدیل کردند ، میزان وصولی مالیات بالا رفت ، این نشان می دهد وقتی مالیات منطقی باشد همه با کمال میل آن را می پردازند تا کار خود را هم رسمی انجام داده باشند .

نتیجه گیری

به نظر نگارنده حتی اگر تمام اشکالات بخشنامه نیز برطرف گردد باز هم وجود آن لازم و مفید بنظر نخواهد رسید . بازار سرمایه ما بسیار کوچک است و دولت قصد دارد مقادیر زیادی سهم و حق تقدم بفروشد . با این کارها خصوصی سازی بیش نخواهد رفت سهل است ، میزان وصول مالیات هم بشدت کاهش خواهد یافت .

جدول شماره ۳ - نحوه عمل و محاسبه مالیاتهای یادشده را قبل و بعد از صدور بخشنامه نشان می دهد :

وضعیت شرکت		پذیرفته شده در بورس						خارج از بورس	
شرح	قبل از بخشنامه		بعد از بخشنامه		قبل از بخشنامه		بعد از بخشنامه		
	سهام	حق تقدم خرید	سهام	حق تقدم خرید	سهام	حق تقدم خرید	سهام	حق تقدم خرید	
نرخ مالیات نقل و انتقال	نیم درصد	نیم درصد	ده درصد	سه درصد (۱)	سی درصد	سی درصد (۶)	-	-	
قطعی / علی الحساب	قطعی	قطعی	علی الحساب	علی الحساب (۲)	علی الحساب	علی الحساب	-	-	
ماخذ محاسبه	مبلغ معامله	مبلغ معامله	مبلغ معامله	مبلغ معامله	ارزش اسمی	ارزش اسمی	-	-	
طرز عمل	توسط بورس کسرمی شود	توسط بورس کسرمی شود	توسط بورس کسرمی شود	توسط بورس کسرمی شود	فروشنده باید به حوزه مالیاتی مراجعه کند (۳)	فروشنده باید به حوزه مالیاتی مراجعه کند (۳)	-	-	
مبنای قانونی	ماده ۱۴۳	ماده ۱۴۳	-	ماده ۱۴۳	-	-	-	-	
موارد مورد استناد بر اساس صدور بخشنامه های فعلی و قبلی (۴)	-	-	ماده ۱۶۳ و تبصره ماده ۲۲۱	ماده ۱۶۳ و تبصره ماده ۲۲۱	ماده ۱۶۳ و تبصره ماده ۲۲۱	ماده ۱۶۳ و تبصره ماده ۲۲۱	-	-	

توضیح مختصر اشکالات بخشنامه :

- (۱) دلیلی برای اعمال نرخ ۳ درصد آنهم علی الحساب برای حق تقدم خرید که جزئی از بهای سهام است (در حالیکه برای سهام ۰/۵ درصد مطالبه می شود) ، وجود ندارد .
- (۲) مالیات علی الحساب مشکلات زیادی ایجاد می کند ، قطعی شدن آن نیاز به طی مراحل پیچیده و وقتگیر دارد .
- (۳) فروشنندگان حق تقدم در بورس به صدها هزار نفر می رسند ، امکان مراجعه آنها به وزارت دارایی وجود ندارد و تازه به صرف مراجعه آنان کار تمام نمی شود . برای دریافت مفاصاحساب مالیات قطعی مدارکی خواسته شده که فروشنده حق تقدم به آن دسترسی ندارد .
- (۴) موارد مورد استناد ، به موضوع (حداقل به محتوای آن) مربوط نیست .
- (۵) حق تقدم خرید شرکتهای خارج از بورس حتی در بخشنامه سال ۱۳۶۸ نیز درج نشده ، معلوم نیست چرا وزارت دارایی قبلا به این فروشنندگان خوشبخت صدرصد معافیت می داده است؟
- (۶) مالیات نقل و انتقال سهام شرکتهای خارج از بورس که بیش از دو سال از تاسیس آنها نگذشته باشد بجای سی درصد ، ده درصد است ولی این تخفیف به حق تقدم سهام همان شرکتهای در همان وضعیت تعلق نگرفته است .

پیشنهاد

اصولا این خوب است که به شرکتهای پذیرفته شده در بورس امتیازات ویژه ای داده شود ولی برای پیشبرد امر خصوصی سازی و رونق دادن به امر صنعت بایستی به شرکتهای خارج از بورس که صدها برابر شرکتهای پذیرفته شده در بورس هستند هم بها داد. مالیات نقل و انتقال سهام این شرکتهای منطقی باید مثلا دو برابر شرکتهای پذیرفته شده در بورس باشد و نه از ۲۴ تا ۱۰۸ برابر (از ۱۲٪ تا ۵۴٪ در مقابل ۰/۵٪). با رشد معاملات سهام شرکتهای در داخل و خارج بورس، سرمایه لازم برای امور تولیدی جذب می شود و با رونق کار شرکتهای مالیات عملکرد آنها به مراتب بالا خواهد رفت و جبران مافات خواهد شد. لذا پیشنهاد می شود مالیات

نقل و انتقال سهام و حق تقدم بصورت زیر درآید:

الف - درمورد شرکتهای پذیرفته شده در بورس حق تقدم خرید سهام هم مشمول ماده ۱۴۳ قانون مالیاتهای مستقیم باشد (همانطور که قبلا هم بدرستی همین طرز تلقی وجود داشت)

ب - درمورد شرکتهای خارج از بورس بجای نیم درصد، موضوع مشمول یک درصد مالیات نقل و انتقال قطعی براساس ارزش روز باشد.

ضمنا محاسبه قیمت روز سهام برای محاسبه مالیات قطعی هم خیلی مشکل نیست، مبنای محاسبه مازاد قیمت می تواند ضریبی از متوسط سودهای قطعی شده مثلا سه سال گذشته

همان شرکتهای باشد. سودهای قطعی از پرونده های مالیاتی شرکت نزد وزارت دارائی استخراج می شود، طبعا در معاملات سهام شرکتهایی که پرونده های مالیاتی مرتبی دارند نیز تسریع می شود.

ج - در مورد شرکتهایی که بیش از دو سال از تاسیس آنها نگذشته است، مالیات نقل و انتقال سهام و سهم الشرکه معادل دو درصد مبلغ اسمی و در مورد حق تقدم معادل یک درصد مبلغ اسمی سهام مربوط، در نظر گرفته شود.

قطعی بودن مالیات و مشخص بودن معیار تعیین آن مسلما حجم معاملات سهام را زیاده تر خواهد کرد و در بلند مدت منبع مالیاتی معتبری نیز برای وزارت دارایی فراهم خواهد نمود. ■■■



انجمن حسابداران ایران

سمینار «بازار سرمایه»

موضوعهای مورد بررسی و سخنرانی: نقش بازار سرمایه در توسعه اقتصادی * ساختار بازار سرمایه * ابزارهای بازار سرمایه * نظام حقوقی حاکم بر بازار سرمایه * حسابداری سرمایه گذارها * سرمایه گذاری خارجی در بازار سهام * جلسات بحث و بررسی تحلیل وضع موجود بازار سرمایه ایران و چشم انداز آینده آن.

مخاطبان: مدیران عامل و مدیران اجرایی واحدهای تجاری، صنعتی و خدماتی و شرکتهای سرمایه گذاری، کارگزاران و دست اندرکاران بورس اوراق بهادار، مدیران مالی، حسابداران، حسابرسان و کارشناسان ارشد بخشهای مالی شرکتهای سازمانهای اقتصادی و سایر علاقمندان به بازار سرمایه.

زمان: روزهای ۷ و ۸ اسفندماه ۱۳۷۵ از ساعت ۸/۳۰ الی ۱۷ مکان: موسسه بانکداری ایران

• در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با تلفن ۸۹۲۹۲۶ تماس حاصل فرمائید.